

خبر

دیدار با حجت الاسلام کروبی

در حاشیه همایش ایران، یکصدسال پس از مشروطیت

سیدمحمدعلی ابطحي

امسال صدمین سالگرد مشروطیت است . با توجه به اهمیت این واقعه تاریخی که آغاز ورود به جامعه مدنی در ایران بود، دو سال گذشته از ترس اینکه امسال به این واقعه مهم تاریخی اهمیتی ندهند دو مراسم بزرگ با کمک دولت قبل برگزار شد . امسال مجلس البته مراسمی اعلام کرده و با نگاه ویژه خود قصد دارد این مراسم را برگزار کند . از سوی دیگر در آکسفورد و شیکاگو هم خارج از کشوری ها قصد دارند مراسم مشروطیت را برگزار کنند .
اصلاح طلبان داخل کشور هم با طیف گسترده آن مدتی است تصمیم گرفته‌اند که مراسم صدمین سالگرد مشروطیت را با نگاه واقع‌بینانه تاریخی برگزار کنند . با امکانات کمی که از نظر مادی و امکانات فراوانی که از نظر فکری و فرهنگی در اختیار اصلاح طلبان است کار برگزاری این مراسم مدتی است پیگیری می‌شود و تاکنون در بخش علمی ۳۰ مقاله جدی آمده است .
دست‌اندرکاران این مراسم دنبال پاسخ به این سؤال بودند که چرا ۱۰۰ سال پیش که بسیاری از کشورهای جهان از مسائل دموکراسی خواهی عقب بودند و کشورهای عربی منطقه اصلاً نبودند در ایران پروژه دموکراسی خواهی و جامعه مدنی کلید خورد ولی در ادامه مسیر خیلی از کشورها به نقاط مرتفعی در این حوزه رسیدند و هنوز در کشور ما دموکراسی و جامعه مدنی نهادینه نشده است .
برای جلب همکاری بزرگان سیاسی اصلاح طلب و در جریان قرار دادن آنان تاکنون دست‌اندرکاران این مراسم سه ملاقات با آقایان خاتمی، رفسنجانی و کروبی داشته‌اند . آقای خاتمی ضمن استقبال از این کار تلنگری زه که دقت کنید مراسم شما سیاسی تلقی نشود و تحلیل واقعی تاریخی باشد . فکر می‌کنم خبر آن را رسانه ها



منتشر کردند . در دیدار هاشمی‌رفسنجانی من نبودم ولی خبر آن را در روزنامه‌ها خواندم . امروز جسمی از دست‌اندرکاران این مراسم (آقایان مسجدجامعی، جلایی‌پور، دکتر نجفی، عطریافر، غنی، دهباشی، قوچانی، صادق خرازی، امین زاده، تاج زاده و نوروزی) با آقای کروبی دیدار کردند.
همین حرف‌ها را در مورد مشروطه زدیم . آقای کروبی هم از حافظه تاریخی‌اش استفاده کرد و به نکاتی از کتاب‌های تاریخ مشروطه که در زندان قبل از انقلاب خوانده بود اشاره داشت . در داخل پرازنه هم گفت وقتی در زندان بودیم و اختلافات دوران مشروطیت را می‌خواندیم با امید اندکی که به پیروزی داشتیم، مرتب فکر می‌کردم که اگر ما پیروز شدیم این اختلافات چه‌ها که نخواهد کرد و اتفاقاً چه‌ها هم کرد! نکته دیگر اینکه می‌گفت آن روزها ما کتاب‌های تاریخ را که می‌خواندیم باور می‌کردیم ولی الان با تجربه این سال‌ها که بسیاری از تاریخ‌نویس ها خلاف واقعیت نوشته می‌شود به تاریخ آن روزها هم تردید کرده‌ام .
اینکه ملت ایران چرا بعد از صد سال همچنان مثل شروع مشروطیت همان خواست‌ها را دارد، بیشتر مورد بحث قرار گرفت . تاکنون قرار شده آقای کروبی و خاتمی و رفسنجانی سه جلسه سخنرانی داشته باشند و مقالات علمی ارائه شده نیز در این جلسه مطرح شود . ضمن آنکه این جلسات می‌تواند شروعی برای ساماندهی و امیدبخشی به حرکت اصلاحی کشور باشد و آغازی برای هماهنگی در مسائل آینده کشور شود .

کتاب‌شناسی

چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰

محمود فاضلی؛ نخست‌سین تلاش‌های نوگرایانه در ایران عصر قاجار و مشروطیت با تمایلات ترقی‌خواهانه برآمده از آگاهی به عقب‌ماندگی ایران و آشنایی روز افزون با پیشرفت و ترقی علوم و فنون در غرب و نیز ضرورت تاریخ انجام اصلاحات و دگرگونی‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران پیوند نزدیکی داشته است. افزایش استبداد سلطنت مطلقه، ضعف حکومت مرکزی و ناتوانی‌اش در برابر رخنه‌های بیگانگان و عقب‌ماندگی بنیادهای ساختار و نظام کهن مسلط بر جامعه ایران، برخی از مهم‌ترین مسائلی بود که ترقی‌خواهان ایرانی را به تلاش برای اصلاحات نوگرایانه برانگیخت. کتاب فوق که نوشته محمدسالار کسرای است و در سال ۱۳۷۹ از سوی انتشارات «نشر مرکز» و در دو بخش و در ۵۰۳ صفحه انتشار یافته است. «آرا و نظریات تجدید و انقلاب مشروطیت و زمینه‌های اجتماعی عدم موفقیت تجددگرایان در مشروطیت» از جمله بخش‌های خواندنی این کتاب است.

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت WWW.100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir



گزارش سال ۱۳۱۸
این سال را می‌توان خونبارترین سال حکومت دیکتاتوری

رضاشاهی شناخت.
در این سال فرشی یزدی مدیر روزنامه توفان و نماینده پیشین مجلس که شاعری میهن دوست و آزادیخواه بود، با تزریق آمپول هوا به وسیله یزشک احمدی در زندان قصر کشته شد. او رفت و این سرود را از خود برجای گذاشت : «آن زمان که بنهادم، سر به راه آزادی / دست خود زجان شستم، از برای آزادی.»

در فاجعه‌ای دیگر، گروهی از افسران و دانشجویان دانشکده افسری نیز به رهبری محسن جهاننوسوز که افسری تحصیلکرده و میهن دوست بود در خزان این سال دستگیر و به اتهام قیام علیه امنیت کشور راهی زندان شدند. آنان گروهی از فرزندان دلیر این آب و خاک بودند که هرچند در ارتش نوین رضاشاهی تربیت شده بودند، اما روح آزادیخواهی و میهن‌دوستی آنان، این همه دیکتاتوری و زورگویی را تاب نیاورد و جان بر کف نهادند تا به تاریخ ایران نشان دهند که حتی در آن نظام دست پرورده خودکامگی نیز هستند کسانی که بی‌هیچ ترسی در برابر دیکتاتوری نظامی تا دندان مسلح بایستند. محسن جهاننوسوز در ماه پایانی این سال دهشتناک به حکم دادگاه نظامی صحرایی به جوخه آتش سپرده شد.

زمستان این سال نیز غم‌انگیز بود. در ماه میانی زمستان، دکتر تقی ارانی لیدر جریان سوسیالیستی ایران که دو سال پیش دستگیر و به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود، در زندان به بیماری تیفوس درگذشت. بعدها آشکار شد که شرایط زیستی وی در زندان قصر به

۱۸ خرداد ۱۳۸۵

خبر رسید که شاه پنج روز پیش نامه شدید‌الحنی به عین‌الدوله نوشته و خواستار سرکوب و تبعید سرنجینان مشروطه‌خواهی شده است. عین‌الدوله نیز به موجب همین دستخط شاه، سخت‌گیری‌ها و بغیر و بیندیشی‌ها در تهران به راه انداخت که در گزارش‌های آتی خواهیم دید. این نامه و لحن آن، برای کسانی که مظفرالدین شاه را مردی مهربان و خوش‌قلب به‌شمار می‌آوردند باور کردنی نیست، مگر آنکه بپذیریم شاه در آن روزگار به شدت بیمار و از مسائل روز به دور بود و نوشتن چنین نامه‌ای را هم جزء دسیسه چینی‌های عین‌الدوله بشناسیم، که چندان هم

زندگی پیرم خان، بدون شک یکی از پیچیده‌ترین سرگذشت‌های سرداران تاریخ مشروطه است و دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی درباره وی وجود دارد. چرا که او در چند مورد از معماگونه‌ترین رویدادهای تاریخ مشروطه که هنوز درباره آنها اختلاف نظر وجود دارد نقش اساسی داشت. پیرم داویدیان گانتسااسکی در سال ۱۲۴۷ خورشیدی در دهکده‌ای در نزدیکی گنجه، که در آن زمان بخشی از روسیه بود، به دنیا آمد. پیرم ارمنی و مسیحی گریگوری بود. از پانزده‌سالگی مانند بسیاری از ارمنیان آن دوران گرایش‌های ناسیونالیستی ارمنی پیدا کرد و به تدریج فعالیت‌های خود را شدت بخشید تا اینکه به عضویت دانشناکسیون، یک حزب مطرح ناسیونالیست – سوسیالیست استقلال‌طلب ارمنی درآمد. در همین دوران بود که همراه گروهی نسبتاً کوچک از جوانان ارمنی راهی عثمانی شد تا به اقلیت ارمنی ساکن عثمانی که تحت ستم شدیدی بودند کمک‌برساند. اما روس‌ها در مرز، او و عده‌ای دیگر را دستگیر کردند و پس از مدتی بازداشت و آوارگی و زندان در شهرهای مختلف روسیه، آنان را به ۲۴ سال تبعید با اعمال شاقه در جزیره ساخالین در سیبری محکوم کردند. درباره اینکه آن روزها چگونه بر پیرم و یارانش گذشت و سرانجام چگونه موفق به فرار از آنجا شدندند اطلاعات دقیقی وجود ندارد. آنچه می‌دانیم آن است که سرانجام وقتی دوباره در حین فرار اسیر روس‌ها شدند، خود را ایرانی و اهل تبریز معرفی کردند و چون سندی علیه‌شان پیدا نشد، به مرز ایران برده شده و در آنجا راه شدند. پیرم مدتی در گیلان و در کمیته‌های «ستار» و «برق» مشغول فعالیت بود تا اینکه سرانجام با فتح رشت رئیس نظمیۀ شد و به موقعیت تازه‌ای دست یافت. با افتادن شهرهای گیلان به دست مشروطه‌خواهان، حرکت نیروهای پیرم به سمت تهران به رغم مخالفت‌های گاه و بگاه محمّدولی‌خان تنکابنی شروع شد. گروه پیرم که بخش عمده‌ای از آنان را ارمنی‌ها و گرجی‌ها

مشروطه

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۳۳

ایران اسیر اختناق پهلوی جهان در آستانه جنگ

حسن مرسل‌وند

گونه‌ای طراحی شده بود که هیچ راهی جز مرگ را پیش پای او نمی‌نهاد. سلول تنگ و تاریک و سرد و گرسنگی پیاپی، نیروی جسمانی آن جوان پرشور ۳۶ ساله را تحلیل برده بود. وی که تحصیلات خود را در آلمان و در رشته فیزیک و شیمی تا درجه دکترا گذرانده بود، در همانجا با اندیشه‌های گوناگون سیاسی آشنا شد و پس از بازگشت به میهن به همراه تنی چند از هم‌فکرانش، گروه ۵۳ نفر را بنیاد نهاد. این گروه، نشریه‌ای علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نام «دنی‌ا» راه‌اندازی کرد که در میان جوانان آن روزگار، هواداران زیادی داشت. دکتر ارانی پس از بازداشت، در زندان نیز به کار سامان‌دهی و تقویت روحیه مبارزان تازه‌کار و کم‌تجربه مشغول بود.

وی بارها و بارها به سلول مجرد رفت و تازیانۀ خورده، اما همچنان استوار و پابرجا، رودرروی دستگاه سیاسی خودکامگی ایستاد. اگر خاطرات تلخ رفتار برخی احزاب کمونیستی در ایران – به ویژه حزب توده – را در داوری تاریخی خود، به حساب کارکرد کل جنبش سوسیالیستی در ایران ننویسیم، آن‌گاه برای سوسیالیست با فرهنگ و میهن‌دوستی همانند دکتر تقی ارانی، ارج بیشتری قائل خواهیم شد و چنانچه از مشروطه به این سو، جنبش روشنفکری و آزادیخواهی در ایران را به سه شاخه مذهبی، ملی و سوسیالیستی تقسیم کنیم، مدرس را شهید شاخه مذهبی، مصدق را قربانی جنبش ملی و دکتر ارانی را قهرمان جنبش سوسیالیستی خواهیم شناخت و دریغا که این خط‌کشی‌ها و مرزبندی‌ها، تنها در جبهه «مردم» و «ملت»، معنا و مفهوم دارد و گرنه برای خودکامگان و دستگاه دیکتاتوری، مدرس و مصدق و ارانی، همه یک پدیده هستند: دشمن!

این سال، نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای بسیاری از مردمان جهان نیز سالی شوم و نکبت‌بار بود. جنگ جهانی دوم، جنگ و دندان‌نشان می‌داد و انسان متمدن قرن بیستم را به آستانه مرگ و نابودی کشانده بود. آدولف هیتلر رهبر حزب نازی آلمان، طی نطقی در پارلمان این کشور، به بهانه اینکه لهستان به مرزهای آلمان تجاوز کرده است، دستور حمله برق‌آسا به لهستان را صادر کرد. لهستان در چشم به‌هم‌زدنی، از گلولی ارتش آهتین رایش سوم، پایان رفت. دولت‌های فرانسه و انگلیس طی یادداشت شدیدالحنی از آلمان خواستند که فوری

حکومت نظامی عین‌الدوله

فضولی‌ها می‌کنند، از هر طبقه و هر قبیله باشند اعم از وزرا و شاه‌زادگان و اعلای و ادانی ناس، هر کس

و داخل هر کار و خدمت هستند، تکلیف شما است آنها را معلوم کرده، بدون هیچ ملاحظه، خودتان را در تنبیه و تبعید استوار می‌کنند و شما هم در تأدیب و تنبیه بدانید. ما هم بحمدالله حالمان خیلی خوب است، ولی این وضع مردم و مسامحه که در تنبیه آنها شده، خیلی در ما موثر است و صحیح است همیشه کلیه اقدامات شما از روی دستور العمل و فرمایشات ما بوده و می‌دانیم چون در این مورد به شما فرمایشی نفرموده بودیم، به این جهت شما هم اقدامی

مردی که مجلس را بست

محسن مهدوی‌مزدۀ

خنده‌دار کرد، ماجرای خلع سلاح مجاهدین و درگیری پارک اتابک بود. پس از آنکه آیت‌الله بهبهانی ترور شد و برنامه‌ریزی ترور به سران حزب دمکرات (عامیون) تسبیب داده شد، تنش این بین مردم با اعتدالیون شدت یافت. چندی بعد محمدعلی‌خان تربیت از حزب عامیون نیز ظاهراً به تلافی ترور آیت‌الله بهبهانی ترور شد. پس از آن، دولت به تصویب مجلس همه افراد مسلح را که نظامی دولتی به شمار نمی‌آمدند، موظف به خلع سلاح کرد. از چندی پیش، ستارخان جنگ‌های زیادی با مخالفان دولت تمجید توسط دولت به تهران دعوت شده بود و پس از برگزاری مراسم گوناگون، در پارک اتابک تهران مستقر شده بود. هنگامی که حکم به خلع سلاح داده شد، پیرم، به عنوان رئیس قوای دولتی با قشونی نسبتاً نیرومند راهی پارک اتابک شد و در آنجا با مقاومت ستارخان و یارانش مواجه شد. این حادثه در آن زمان پیرم را نزد بسیاری بدنام نمود. سومین رویداد از این دست و شاید مهم‌ترین آنها، تعطیلی مجلس دوما، یسکسی – مخالفان دولت



جهانگیر، ما طرف بازنده جنگ‌ها بودیم و این خود ضربه جبران‌ناپذیری برای ما در پایان این جنگ‌ها به دنبال داشت! رضاشاه، شادمان از یورش آلمان به لهستان که چشم به راه پیشروی و پیروزی فاشیسم در جهان بود، محمود جم – پدر دامادش – را از نخست‌وزیری برداشت و دکتر احمد متین‌دفتری تحصیلکرده آلمان و ژرمانوفیل – هوادار آلمان – معروف را به جای او گماشت. کلیه دانشجویان ایرانی مقیم اروپا را به ایران فراخواند و دستور داد تا سنگرها و استحکامات نظامی در مرزهای شمالی ایران، تقویت شود. بدین ترتیب آتش این جنگ خانمان‌سوز گریبانگیر ایرانیان نیز شده بود. در این سال، به تصویب مجلس، از ایرانیان سرشماری رسمی به عمل آمد. در این سرشماری، جمعیت ایران ۸۶۷/۱۸۳۸ نفر بود که ۸۷/۵۴۰/ نفر آن پایتخت‌نشین بودند.

همچنین سازمان هواپیمایی کل کشور، در این سال به ریاست ابراهیم قوام‌شیرازی آغاز به کار کرد. باشگاه هواپیمایی کشور نیز که مدیرعامل آن عبدالله یاسایی بود، راه‌اندازی شد. نخستین گروه خلبانان هواپیمایی کشور نیز در این سال گواهینامه گرفتند. از این گروه ۱۰ نفری، سه نفر زن و هفت نفر دیگر مرد بودند. سیلوی بزرگ تهران با گنجایش ۶۴ هزار تن و کارخانه بلورسازی تهران نیز از این سال مورد بهره‌برداری قرار گرفتند.

عمر مجلس یازدهم شورای ملی نیز در این سال به پایان رسید و در ماه‌های میانی این سال، مجلس دوازدهم – که دیگر همه نمایندگان آن به طور مستمری زیر نظر شاه انتخاب می‌شدند– گشایش یافت.

نکرده‌اید، ولی حالا تکلیف شما همین است که دستخط شد. باید جداً از این مردمان مفسد جلوگیری کرده، در هر گونه تنبیه و سیاست و خلع کار و شغل دیوانی و قطع مرسوم و گرفتن امتیازات آنها به هیچ وجه ایفا نکنید و از شما می‌خواهیم این فرمایشات ما را در کمال عجله اجرا نموده، مردم را به جای خود بنشانید.

۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴

پس از صدور این فرمان، عین‌الدوله دستوراتی برای مراقبت از اوضاع نظم داخلی تهران، خطاب به نیرالدوله – حاکم جدید تهران که به جای علاءالدوله معزول آمده بود– صادر کرد، که می‌توان به تعبیر امروزی «قوانین حکومت نظامی» نامید.

مشروطه، شعاع السلطنه بود. پس از آن‌که مخالفت‌های او به درگیری‌های جدی با دولت انجامید، مورگان شوستر، مستشار آمریکایی داخل دولت، دستور به مصادره اموال وی به نفع دولت داد. روسیه که شعاع السلطنه تبعه روس را یکی از مهره‌های مهم خود در ایران می‌دانست، این حکم را برنتابید و آن را دستاویزی برای مخالفت با مشروطه و اخراج مورگان شوستر که از ابتدای ورودش به ایران ناخرسند بود قرار داد.

حکومت روسیه طی دو مرحله اولتیماتوم‌هایی به دولت ایران داد. اولتیماتوم دوم که پس از رد شدن اولی توسط مجلس به دولت ایران ابلاغ شد، ایران را تهدید می‌کرد که در صورت اخراج نکردن شوستر روس‌ها تا تهران پیش خواهند آمد.

مجلس که این بند و مواد دیگر اولتیماتوم روسیه را نمونه بارز زورگویی می‌دید، با وجود اینکه روس‌ها تا همان زمان همه بسیاری از شهرهای شمالی کشور را اشغال کرده بودند و در حال پیشروی بودند، آن را رد کرد. اما دولت ناصرالملک نایب‌السلطنه که تهدید روسیه را جدی می‌دید و می‌دانست که ایران تاب مقابله با قدرتی چون روسیه را ندارد، موافق پذیرش اولتیماتوم بود. عاقبت قرار دولتیان بر آن شد که هیاتی تعیین شود که در این باره تصمیم‌گیری کند و برای جلوگیری از لغو مصوبات این هیات به دست مجلس، پیرم را بفرستند تا مجلس را ببندد و کسی را در آن راه ندهد.

بستن مجلس و رنجاندن مشروطه‌خواهان و نمایندگان مردم، اقدام نادرستی به شمار می‌رود. سرانجام، آخرین نبرد پیرم بار دیگر در برابر سالارالدوله اتفاق افتاد. پس از آن که قشون عبدالحسین میرزا فرمانفرما از دسته‌ای از طرفداران سالارالدوله شکست خورد، یک بار دیگر پیرم راهی جنگ با سالارالدوله شد. اگرچه این جنگ با پیروزی نسبی یاران پیرم به پایان رسید اما خود او به تیری که از درون قلعه شورش به سوی او شلیک شد، کشته شد.

سال سوم ■ شماره ۷۹۱

نگاه

علل بحران در مشروطه ایرانی

دکتر صفر یوسفی*

مشروطه ایرانی که به شکل طفلی ناقص و علیل متولد شد بر اثر بیماری‌هایی که بدان‌ها دچار شد، سرانجام رها و فراموش گردید و به مرگی تدریجی گرفتار شد. بحران مشروطیت ایرانی بی‌ارتباط با ماهیت و نحوه شکل‌گیری و پیروزی آن نبود. با این همه عواملی که سبب بحران در مشروطه ناقص و ناتمام ایرانی شد، به نحو زیر قابل بررسی است:

۱ – نفوذ عناصر استبدادی و ضدمشروطیت در نظام مشروطه و تیرۀ و یخشش و غفو طرفداران استبداد و محمدعلیشاه و کسانی که مخالفان اصلی انقلاب مشروطیت بودند، مثل عبدالمجیدمیرزا عین‌الدوله صدراعظم خشونت طلب و مستبد مظفالدین‌شاه که خشونت‌هایش نقش مهمی در شروع و تداوم انقلاب داشت و حتی بعدها وی به صدارت و وزارت در دولت مشروطه رسید. کلنل لیاخوف روسی که مجلس اول شورای ملی را به توپ بسته بود بعد از فتح تهران شمشیر را از کمر خود باز کرده و تسلیم شد و سردار اسعد بختیاری (علیقی‌خان) شمشیر را به کمر او بسته و گفت المامور معذور. علاءالدوله حاکم تهران که بازگانگان قند را به چوب بسته و عامل شروع حرکت انقلاب بود و حتی محمدعلیشاه از ترس مشروطه‌خواهان و انقلابیون به او سمت و منصبی نداده بود به حکمرانی فارس رسید. مسعودمیرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه برادر مظفردالدین‌شاه و عموی محمدعلیشاه حاکم جبار صفهان با دادن صد هزار تومان اعانه و کمک به دولت مشروطه و فاتحان تهران بخشیده شد و از همه مهمتر محمدعلیشاه مستبد و ضدمشروطه که بخشیده و تبعید شد و صد هزار تومان مقرری (حقوق) برای او تعیین شد. ۲ – ماهیت فاتحان تهران و گرایش‌هایی که به دولت‌های روسیه و انگلیس و یا جناح استبداد داشتند. حتی برخی از آنها همدلی‌هایی به محمدعلیشاه در جریان حمله او را کرد و کمربند سلطنت از خود نشان دادند مثل محمدولی‌خان تنکابنی سپهدار اعظم که از صدارت کنار گذاشته شد و مصصمام‌السلطنه بختیاری جای او را گرفت. ۳ – نفاق و شقاق و اختلاف در میان فاتحان تهران از جمله سردار اسعد بختیاری و محمدولی‌خان تنکابنی سپهدار اعظم و پیرم خراسانی و ستارخان و باقرخان. ۴ – کنار گذاشته شدن و سرکوبی نیروهای اصل و مردمی و انقلابیون واقعی و حتی سرکوب و خلع سلاح ستارخان و باقرخان در ماجرای معروف به پارک اتابک که منجر به گلوله خوردن و زخمی شدن ستارخان شد. ۵ – تلاش شاه و محمدعلیشاه و ابادی و عوامل او از جمله برادرانش سالارالدوله و شعاع‌السلطنه در حمله و تخریب انقلاب به کمک دولت مستبد روسیه تزاری. ۶ – اختلاف میان علمای مشروطه‌خواه نجف (علمای ثلثه تهران خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و حاج حسین حاج خلیل تهران) و علمای مشروطه‌خواه تهران و شهرستان‌ها با علمای مشروطه‌خواه و مخالف مشروطه مثل شیخ‌فضل‌الله نوری و دیگران و حتی علمای مخالفی مثل سیدکاظم یزدی در نجف. ۷ – اشتباه فاتحان تهران در دستگیری و اعدام شیخ فضل‌الله نوری به عنوان مجتهد مسلم که تأثیرات منفی بسیار زیادی بر جای گذاشت چون اولین بار بود که یک مجتهد و مرجع تقلید را اعدام می‌کردند. در حالی‌که بسیاری از مستبدان و طرفداران حکومت مطلقه و ضدانقلاب و مشروطه را بخشیده بودند. ۸- دخالت‌ها و اعمال نفوذ روسیه و انگلستان در امور مجلس و دولت و حمایت از عناصر وابسته به خود در جهت تضعیف مشروطیت و انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ تقسیم ایران بین دو کشور، اشغال ایران در جنگ جهانی اول به وسیله آنها و قرار و تقسیم‌تهایی ایران به وسیله آن دو کشور در ۱۹۱۵. ۹ – درگیری‌های حزبی و ستیزه‌ها و منازعات و مشاجرات کلامی آنها در مجلس و ایجاد جو وحشت و ارباب و خشونت و ترور میان دو حزب عمده و معروف دموکرات‌ها (عامیون) و اعتدالیون که سرانجام به برخورد و درگیری‌های فیزیکی و حذف اعتداجید که سیدعبدالله بهبهانی از طرفداران حزب اعتدال به وسیله چهار تن از مجاهدان طرفدار حزب عامیون یا دموکرات‌ها از جمله رجب سرائی ترور شد و در مقابل نیز طرفداران حزب اعتدالی به عنوان انتقام دو تن از اعضای دموکرات‌ها (عامیون) به نام‌های علی‌محمدخان تربیت و شیخ عبدالرزاق را کشتند. بدین ترتیب افراطی‌گری و زیاده‌روی‌ها از بلایای همیشگی جامعه ایرانی در دوره‌های آتاریشگری و هرج و مرج و قتلان حاکمیت استبدادی بود. ۱۰– قدرت‌طلبی در میان احزاب و گروه‌های نیز نیروهای دولتی و حکومتی که سبب ناپسامانی اوضاع سیاسی شد. ۱۱– ضعیف ساختار مالی و اوضاع پریشان اقتصادی. ۱۲– ناتوانی کابینه‌های مشروطه و سقوط زود هنگام آنها. ۱۳– ترجیح منافع گروهی و طبقاتی و حزبی بر منافع ملی و جمعی. ۱۴– ناامنی اجتماعی و ناتوانی نظامی در ایجاد نظم و امنیت و آرامش در کشور. ۱۵– تأثیرات ناگوار دخالت‌های بیگانگان متفق روسیه و انگلستان و متحد عثمانی و آلمان. ۱۶– کم‌فایتی سیستم حکومتی قاجار و اشداحدا. ۱۷– سرگردانی و حیرانی سیاسی بر اثر وجود مطبوعات و احزاب متعدد و گوناگون. ۱۸– شتاب‌آلود بودن افکار و اقدامات و اینکه سعی شد به‌رغم مشکلات تئوریک و ساختاری نظام مشروطه در ایران رد صداساله کلی شبهه پیوده شود به خصوص به وسیله برخی مطبوعات و شاعران و احزاب. ۱۹– نارضایتی و دل‌سردی مردم از انقلاب مشروطیت و اینکه انقلاب نتوانسته بود آرزوها را و انتظارات و خواسته‌های آنان را برآورده سازد. ۲۰– و مهم‌ترین عامل، آتاریشگری و هرج و مرج سیاسی بود که به وسیله احزاب و گروه‌ها و مطبوعات و جناح‌های سیاسی مجلس به آن دامن زده می‌شد و سرانجام دل این هرج و مرج و ناپسامانی و ناامنی و آشوبگری و آتاریشگری رضاخان به عنوان منتهی جامعه از بحران بیرون آمد و مشروطه به استبداد رضاخانی تبدیل شد.

* استادیار و مدیر گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی

واحد نور